



فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره سی و ششم - تابستان ۱۳۹۷ - از صفحه ۱۲۶ تا ۱۴۲

تمثیل و ارسال المثل در دیوان جهان ملک خاتون*

راویہ کردافشاری^۱

دانشجوی دوره دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

احمد خاتمی^۲

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

چکیده

تمثیل از ماده «مثل» تشبیه کردن چیزی را به چیزی گویند. در تمثیل، شاعران با آوردن مثالی گسترده‌تر به وضوح سخن و گفته خود می‌افزایند. اما در ارسال المثل گوینده به سخنی مشهور و آوردن آن در کلام بسنده می‌کند؛ ضرب المثل یا مثل، چاشنی اصلی ارسال المثل است. اما در تمثیل چنین نیست. باید گفت در اقسام سه‌گانه تمثیل اعم از تشبیه تمثیل، استعاره تمثیلیه و داستان تمثیلی، نوع تمثیل‌های جهان ملک خاتون شاعر سده هشتم هجری ارسال المثل است و به استعاره تمثیلیه، نزدیکی و قرابت بسیاری دارد. ارسال المثل‌های جهان ملک ادامه همان ارسال المثل‌های سنتی و مرسوم ادب کلاسیک فارسی است.

کلید واژه‌ها: شعر فارسی، جهان ملک خاتون، تمثیل، ارسال المثل

*تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۳۰

۱- پست الکترونیکی: Kordafshari@yahoo.com

۲- پست الکترونیکی نویسنده مسئول: A_Khatami@sbu.ac.ir

مقدمه

پیش از هر چیز ناگزیر از تعریف و تحلیل مختصر در اصطلاح فنون ادبی و بلاغی با عنوان‌های تمثیل و ارسال المثل هستیم؛ با نگاهی به این مقوله بلاغی و روشن شدن تعریف دقیق آن دو خواهیم توانست به چندی و چونی آن در دیوان جهان ملک، شاعر نیمه دوم قرن هشتم پی ببریم. در حقیقت در این مقاله بر آن هستیم تا میزان بسامدی دو اصطلاح بدیعی و بلاغی تمثیل و ارسال المثل را در دیوان این شاعر زن اینجوی فارس بررسی کرده و نشان دهیم نوع تمثیل و ارسال المثل‌های او چگونه است و اصولاً تا چه میزان توانسته در زیبایی اشعار شاعر مؤثر افتد. در این مقاله خواهیم دید نوع تمثیل‌های جهان ملک از نوع ارسال المثل است و آن ادامه ارسال المثل‌های سنتی او در ادب فارسی است.

بیان مسأله

عمده‌ترین موضوع مورد بررسی در این مقاله این است، که اصولاً تمثیل‌های جهان ملک از چه نوعی است؟ آیا تمثیل تشبیه یا استعاره تمثیلیه و یا داستان تمثیلی است؟ ضمن آنکه در پی پاسخ به این سؤال هستیم که، آیا میان سبک شعری یا ضمیر ناخودآگاه و خودآگاه، نسبتی از جهت اصالت هنری - شعری یه چشم می‌خورد و اینکه اصولاً آیا می‌توان غزل‌های جهان ملک را از این جهت با غزلسرایی روان و شیوای سعدی یکسان دانست؟

پیشینه تحقیق

در این باره مقاله‌ای که به طور آشکار در خصوص تمثیل و نوع آن در اشعار جهان ملک خاتون پرداخته باشد دیده نشده و تنها در یکی دو مقاله درباره سبک شعری وی به صورت مجمل با نظر به برخی از جنبه‌های شعری او پرداخته شده‌است. از آنجا که جهان ملک، هم عصر خواجوی کرمانی و حافظ است طبیعی است که از منظر شاعری نتواند در کنار این دو شاعر، قامتی آشکار، نشان دهد. بنابراین برآن شدیم با پرداختن به بعدی از ابعاد زیبایی شناسی شعر جهان ملک، معرف او باشیم.

اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجا که دیوان جهان ملک از منظر زیبایی‌شناسی چندان بررسی و ملاحظه نشده، در این مقاله سعی شده است که به نوع تمثیل‌های شاعر در دیوان اشعارش نگاهی سبکی و جمال‌شناسانه داشته باشیم؛ به‌ویژه ارتباط تنگاتنگ میان سبک شاعر با دو موضوع مهم ناخودآگاه و خودآگاه می‌تواند میزان هنری شاعر را در اقتباس و توجه او به شاعر بزرگ شیراز یعنی سعدی، بهتر نشان دهد.

آشنایی مختصر با جهان ملک خاتون و اشعارش

جهان ملک خاتون دختر جلال‌الدین مسعود شاه اینجو از شاعران نیمه دوم قرن هشتم هجری است در شعر «جهان» تخلص می‌کرد. (صفا، ج ۳/۲، ۱۳۷۰: ۱۰۴۵)

نیای مادریش به رشیدالدین فضل‌الله همدانی می‌رسد (همان، ۱۰۵۱) وی از معاصران دو شاعر بزرگ خواجوی کرمانی و حافظ شیرازی است. چنانکه پیداست وی برادرزاده شاه ابواسحاق اینجو از ممدوحان حافظ بوده است. ملک خاتون گویا در عهد دولت اینجو وضع بدی نداشت، اما پس از این دوران، خاصه غلبه مظفریان بر این خطه، او نیز نظیر دیگران دچار سختی و محنت زندگی شد. (همان، ۱۰۵۰) تا آنجا که به تعبیر ذبیح‌الله صفا، جهان ملک بعد از غلبه امیر مبارزالدین بر شیراز «به اختیار یا به اضطرار شاه شجاع مظفری (۷۸۶-۷۶۰ ه.ق) را مدح گفت. (همان، ۱۰۴۷)

مصححان دیوان اشعار او، تولد جهان ملک را بعد از سال ۷۲۵ ه.ق دانسته (کاشانی راد و احمد نژاد، ۱۳۷۴: نه) و چنانکه پیش از این گذشت، وفات شاعر نیز بعد از سال ۷۸۴ ه.ق اتفاق افتاده است.

تمثیل و ارسال المثل

تمثیل از ماده «مَثَل» تشبیه کردن چیزی را به چیزی گویند. در لغتنامه دهخدا درباره تمثیل چنین آمده است: «مَثَلُ الشَّيْءِ بِالشَّيْءِ تَمَثِيلاً وَ تَمَثِلاً» تمثیل چیزی به چیزی را تمثیل و تمثال گویند. (دهخدا، ج ۵، ۱۳۷۷: ۶۹۷۰) صاحب لغتنامه با توجه به منابع سنتی بلاغی نظیر المعجم

و حدائق السحر و بدایع الافکار، تمثیل را از جمله استعاره تلقی کرده الا آنکه این نوع استعاره را به طریق مثال یعنی چون شاعر خواهد که به معنی‌ای اشارتی کند لفظی چند که دلالت بر معنی‌ای دیگر کند، بیارد و آن را مثال معنی مقصود سازد. (همان) وی بر این نظر است که تمثیل، خوش‌تر و مطبوع‌تر از مجرد استعاره است با این حال، او ارسال المثل را از تمثیل جدا کرده، می‌نویسد: «شاعر اندر بیت حکمتی گوید، آن به راه مَثَل بُود» ولی سپس به تعریف رشید و طواط و حدایق السحر استشهاد کرده و می‌گوید: «این صنعت چنان بود که شاعر در بیت مثل آرد» (دهخدا، ج ۲، ۱۳۷۷: ۱۸۳۴ ذیل ارسال المثل) رشید و طواط در حدائق السحر خود تنها ارسال المثل را ذکر کرده و از تمثیل هیچ ذکری ننموده است. (اقبال آشتیانی، ۱۳۹۲: ۵۶-۵۵)

صاحب بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، میان تمثیل و ارسال المثل فرق نهاده و هریک را جداگانه بررسی کرده است. واعظ کاشفی تمثیل را از جمله استعارت دانسته - چنانکه پیش از این نیز صاحب لغتنامه به همین نگاه نظر داشته است - «الا آنکه این استعارت بر طریق مثال، مذکور می‌گردد؛ در اصطلاح، ایراد معنی مقصود است به طریق مثال»، واعظ کاشفی برای تعریف خود این بیت مختاری را استشهاد آورده است:

«زمرّد و گیّه سبز هر دو یکرنگند ولی از این به نگین‌دان برند، از آن به جُوال»
(واعظ کاشفی به تصحیح کزازی، ۱۳۶۹: ۱۰۵)

در بدایع الافکار، ارسال المثل بدین شکل توضیح داده شده است: «مَثَل چیزی بُود که بدان متمثل شوند و این صنعت در اصطلاح چنان است، که شاعر بنا به ازدیاد شهرت، کلام خود را به مَثَل مشهور بیازاید» و این بیت را شاهد مثال می‌آورد:

«سواد مستی من عشق محو خواهد کرد من این ز نقش خطت نانوشته می‌خوانم»
(همان، ۱۲۰)

تا اینجا دانسته شد که فرق اساسی میان تمثیل و ارسال المثل آن است که در تمثیل شاعر با آوردن مثالی گسترده‌تر به وضوح سخن و گفته خود می‌افزاید، اما در ارسال المثل، گوینده به سخنی مشهور و آوردن آن در میان کلامش بسنده می‌کند؛ ضرب المثل یا مَثَل سایر، چاشنی

اصلی ارسال المثل است، اما در تمثیل چنین نیست. با اینهمه جلال الدین همایی آندو را یکجا و در یک عنوان بررسی کرده است و چنانکه از تعریف آن پیداست؛ مراد او از تمثیل، بیشتر ارسال المثل است. در این باره همایی چنین آورده است: «ارسال المثل یا تمثیل، آن است که عبارت نظم یا نثر را به جمله‌ای که مَثَل یا شبیه مثل و متضمن مطلبی حکیمانه است، بیاریند و این صنعت همه جا موجب آرایش و تقویت بنیه سخن می‌شود و گاه باشد، که آوردن یک «مثل» در نظم یا نثر و خطابه و سخنرانی، اثرش در پروراندن مقصود و جلب شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد. (همایی، ۱۳۸۱: ۳۰۰-۲۹۹) پیداست مقصود استاد همایی از تمثیل، صرفاً ارسال المثل بوده است. برای مثال:

یا این بیت سعدی

«غم عشق آمد و غم‌های دگر پاک ببرد / سوزنی باید کز پای برآرد خاری»

(همایی، ۱۳۸۱: ۳۰۱-۳۰۰)

تا بدین جا آنچه از تمثیل و ارسال المثل آمده، بیشتر با نگاه سنتی و منابع بلاغی کلاسیک ادب فارسی انطباق داشته است، اما حوزه «تمثیل» موضوعی کاملاً گسترده و مسأله‌ای جدا از ارسال المثل است «تمثیل» موضوعی فراگیرتر و شامل مقوله‌ها و سطح‌های گوناگونی است که در حوزه مصطلحات ادب اروپایی نیز درباره آن اظهار نظر شده، بنابراین بهتر است تمثیل را بازکاوی کنیم اما پیش از آن به نکاتی جزئی‌تر بپردازیم.

تمثیل در معنای عام

تمثیل در معنای عام بر پایه نوعی تشبیه است، زیرا «مَثَل» که ریشه واژه تمثیل است، معنای «شبه» می‌دهد. از علمای بلاغت سنتی، زمخشری (۵۳۸-۶۶۷) بر همین مبنا، تمثیل را مترادف تشبیه دانسته است. عبدالقاهر جرجانی (وفات حدود ۴۷۱ یا ۴۷۴) تشبیه را عام و تمثیل را نسبت بدان اخص (خاص) می‌شمارد و تأکید می‌کند که، هر تمثیلی به ناگزیر تشبیه است، اما هر تشبیهی الزاماً تمثیل نخواهد بود و به تعبیر علمای منطق رابطه تشبیه و تمثیل، نسبت عموم و خصوص مطلق است یعنی هر تمثیلی تشبیه است، اما بعضی از گونه‌های تشبیه، تمثیل

محسوب می‌شوند.

تقسیم بندی تمثیل

در یک تقسیم بندی دقیق‌تر - که تمثیل را از منظر ادب اروپایی نیز در بر می‌گیرد - می‌توان تمثیل را در سه سطح مختلف بررسی کرد.

۱- تشبیه تمثیل

۲- استعاره تمثیلیه

۳- داستان تمثیلی

۱- به اختصار باید گفت در تشبیه تمثیل، وجه شبه آن از مجموع یا از امور متعدد انتزاع شده است. بدین معنا که وجه شبه آن، مرکب و عقلی است. این همان نظر عبدالقاهر جرجانی در اسرارالبلاغه است. (جرجانی، ۱۳۷۴: ۲۲۳ و ۲۲۰) «در این نوع تشبیه اولاً مشبّه به جنبه مثل یا حکایت دارد در ثانی، مشبّه امری مرکب و معقول است و مشبّه به که برای تقریر و اثبات مشبّه مورد استفاده قرار می‌گیرد، مرکب و محسوس است. مثل ابیات زیر از مسعود سعد سلمان:

آگاه نیست آدمی از گشت روزگار شادان همی نشیند و غافل همی رود
ماند بر آنکه باشد بر کشتی روان پندارد اوست ساکن و ساحل همی رود»

(رشید یاسمی، ۱۳۱۸: ۹۵)

۲- استعاره تمثیلیه که نوعی استعاره مصرحه محسوب می‌شود. این نوع تمثیل با ذکر مشبّه به و حذف مشبّه شکل می‌گیرد. و در حقیقت در استعاره تمثیلیه با حذف مشبّه در تشبیه، تمثیل پدید می‌آید و چون در این نوع استعاره تمثیلی، مشبّه که محذوف است خود مرکب است، می‌توان به این نتیجه رسید که این نوع استعاره در حقیقت، استعاره مرکب است. «بدین معنا که جمله‌ای است، که به علاقه مشابهت در غیر معنای اصلی خود یا در غیر ما وُضِعَ له به کار رفته و وجه شبه آن صورتی است ذهنی که از امور متعدد انتزاع شده است.» (دادبه، ۱۳۸۳: ۱۶۳) نظیر آن در امثله فارسی این‌هاست: «خورشید به گل اندرون» مشبّه بهی است، که «مشبّه» محذوف آن نظیر کار بیهوده و ناممکن کردن است و یا در این بیت حافظ:

«گره به باد مزین گرچه بر مراد رود که این سخن به مثل باد با سلیمان گفت»
(دیوان حافظ، قزوینی وغنی، ۱۳۸۵، غزل ۸۸، بیت ۷)

که در اینجا «گره به باد زدن» به معنای کار بی‌بنیاد و ناممکن کردن است. با این وجود برخی نویسندگان معتقدند که اصولاً «تمثیل به نماد شباهت بیشتری دارد تا به استعاره. زیرا در استعاره، لفظ بر مبنای تشبیه به جای لفظ دیگر می‌نشیند ولی در نماد و تمثیل، الفاظ جانشین مفهوم می‌شوند؛ استعاره معمولاً کوتاه‌تر از تمثیل است، ولی تمثیل مجموعه‌ای گسترده و پیوسته و فراهم آمده از اجزاست.» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۲۷۰) با اینهمه از نظر مفهوم، بحث استعاره تمثیلیه بر جای خود باقی است. با اینکه کسانی نیز از دید لفظ و مفهوم، تمثیل را به نماد نزدیک دانسته‌اند، اما از جهت مفهوم تمثیل، در حقیقت نوعی استعاره به شمار می‌آید. این نوع تمثیل یعنی استعاره تمثیلی، نزدیکی و قرابت زیادی با ارسال المثل می‌یابد، زیرا در ارسال المثل که عمدتاً از ضرب المثل استفاده می‌شود مبتنی بر «لفظ اندک و معنی بسیار» است. این نوع تمثیل اگر انتشار یابد و رایج شود و بر زبان‌ها رود و به تعبیر مردم بر سر زبان‌ها افتد، مثل نام می‌گیرد. (دادبه، ۱۳۸۳، ۱۶۴)

۳- داستان تمثیلی، این نوع، همان موضوعی است که در ادب اروپایی نیز بدان توجه نموده‌اند و در ادب آنجا، مقصود از تمثیل، اغلب داستان‌های تمثیلی است. در این معنی داستان تمثیلی همان آلیگوری (Allegory) فرنگی است و مراد از آن بیان داستانی است از زبان انسان یا حیوان که گذشته از معنای ظاهری، حاوی معنای باطنی و کلی نیز هست. بدین معنا که اگر اشخاص داستانی، انسان‌ها باشند؛ بدان پارابل (Parable) گویند و اگر اشخاص آن حیوانات باشند، بدان فابل (Fable) گویند. مثال از نوع پارابل، برخی اندرزهای حضرت مسیح (علیه السلام) در قالب داستان‌هایی کوتاه و اغلب مثل‌گونه و از گونه دوم یعنی فابل، داستان‌های مندرج در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه و برخی داستان‌های مثنوی و دیگر آثار مولاناست. براین اساس باید دید تمثیل‌های موجود در دیوان جهان ملک خاتون با کدام یک از سه دسته مذکور منطبق است.

در باب اشعار و شهرت جهان ملک

مهارت شاعری جهان ملک در سرودن غزل بوده است، خاصه آنکه سبک غزلسرایی شاعر بدون شک متأثر از غزلسرایی سعدی بوده است گرچه غزل‌های سعدی چیز دیگری است، اما اگر نخواستیم باشیم به ساحت شاعرانه هیچکدام آسیبی بزنیم، باید گفت طرز و اسلوب غزل‌های جهان ملک از منظر سادگی و روانی کلام گرچه نه به پای غزل‌های سعدی می‌رسد - نظیر سادگی و سلاست غزل‌های شیخ شیراز است. بی تردید، جهان ملک، نظری به سعدی داشته، صحت گفتار ما را اظهار ارادت شاعر به شیخ اجل در دو بیت زیر به خوبی نشان می‌دهد.

به رسم تضمین این بیت دلکش آوردم ز شعر شیخ که جانم - به طبع دارد دوست
ز دست دشمنم ای دوستان شکایت نیست شکایتم همه از دوستان دشمن خوست
غزل ۲۳۰

گفتنی است که در دیوان این شاعر غزلسرای فرهیخته، علاوه بر ۱۵۹۳۷ غزل، قالب‌ها و اشعار دیگری از جمله ترجیع‌بندی ۵۵ بیتی و مرثیه فرزند دلبندهش و مقطعات و رباعیات دیده می‌شود.

ناخودآگاهانه و خودآگاهانه در اشعار جهان ملک

آن‌گونه که مصححان دیوان اشاره کرده‌اند «شعر جهان روی هم رفته شعری یکدست، روان، روشن و بی‌ابهام است، اما به ندرت مسامحه‌هایی هم در آن هست، که بیشتر مربوط به وزن و قافیه می‌شود.» (کاشانی راد و احمد نژاد، ۱۳۷۴: هشت) این هم افزودنی است گرچه سبک غزل‌های او به غزل‌های سعدی در روانی و عذوبت شبیه است، اما طرز غزل‌های جهان ملک، خودآگاهانه بوده است و شاعر زمانی که آگاهانه به سبک شعر شاعری دیگر نظر داشته باشد، طبیعی است که هرگز جلوه و جمال سبک شاعری کسی را که در ناخودآگاه، شعر سروده، نمی‌تواند داشته باشد، از این جهت یک علت آنکه نمی‌توان غزل‌های جهان ملک را دقیقاً نظیر غزلسرایی سعدی در نظر گرفت، وجود انتخاب خودآگاهانه جهان ملک در تقلید از غزلسرایی سعدی است. با بررسی دیوان اشعار وی دریافتیم که پاره‌ای از غزل‌های او به تقلید از غزل‌های

سعدی و برخی شاعران دیگر سروده شده است. از این منظر سبک شعری، زمانی سبک اصیل محسوب است که از ضمیر ناخودآگاه شاعر سرچشمه گرفته باشد. این موضوعی است که امروزه در مباحث سبک شناسی مطمح نظر است. عبدالحسین زرّین کوب در کتاب «شعر بی-دروغ شعر بی نقاب» معتقد است، که «سبک» امضای نامرئی و تخلص واقعی و بی تزویر و مصون از جعل شاعر و هنرمند است. (زرّین کوب، ۱۳۸۱: ۱۷۵) به ویژه آنکه سبک، تعبیر صادقانه‌ای از طرز فکر و مزاج طبع شاعر نیز هست.

زرّین کوب در باره ارتباط «سبک» با بحث ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه معتقد است: «سبک وقتی ناخودآگاه است، حاکی است از افکار و احوالی که شاعر تمایلی به ابراز آن و افشاکردنش نداشته است. اینجاست که می‌توان گفت شعر بی‌دروغی است و آنچه شاعر می‌گوید حقیقت است و صدق.» (همان ۱۸۸-۱۸۷) بر این پایه می‌توان گفت، که زرّین کوب، رابطه‌ای آشکار میان سبک واقعی و ناخودآگاهی شاعر در ایجاد یک شعر بی‌دروغ و بی‌نقاب قائل است. سبک واقعی از روی ضرورت که ارتباطی تام و تمام با جریان‌های عصری و محیطی و به تعبیر زرّین کوب با ظروف زمانی و مکانی مرتبط است، داشته و اگر نتوانیم به طور کامل این نظریه را به دلایل مختلف بررسی کنیم می‌توان گفت، نسبتی میان ایجاد یک اثر ادبی همراه با ضرورت حتمی آن موجود است و این نسبت در ذهن و زبان شاعر یا هنرمند، البته به میزان بسیاری ناخودآگاهانه است. اگر چه شاید شاعر تا اندازه‌ای هم خود به احساسی مه‌آلودگونه در جهت خلق و ایجاد اثرش آگاه باشد، ولی اصولاً نظر زرّین کوب این است، که میان صداقت هنری و ایجاد آن، یک حالت ناخودآگاه برقرار است. بنابراین می‌توان گفت از یک جهت غزل‌های ساده و روان جهان ملک خاتون به نوعی از ضمیر ناخودآگاه او نشأت گرفته است، زیرا او آگاهانه به سعدی و غزلیات او توجه و نظر داشته است. بدین جهت است که جهان ملک خاتون را نمی‌توان با سعدی در یک ترازوی نقد سبکی مقایسه کرد اگر چه غزل‌های این بانوی اینجوی فارس به‌واقع روان، ساده و گاه شیرین است، بی‌جهت نیست که ذبیح الله صفا براین نظر بوده است که «زبانش ساده و اشعارش متمایل به سلاست و بندرت مقرون به اشتباهات لفظی ولی فاقد مبالغه کاری‌های شاعران استاد و به روی هم متوسط است.» (صفا، ۱۳۶۹، ج ۳/۲: ۱۰۵۱) اما به هر حال غزل‌های جهان ملک با برخی شباهت‌های

صوری و سبکی با غزل‌های استادش، سعدی، البته در یک تراز از منظر زیبایی‌شناسی نمی‌تواند قرار بگیرد.

بررسی تمثیل و ارسال المثل در اشعار جهان ملک خاتون

میزان بهره‌وری جهان ملک از تمثیل

ابتدا باید گفت جهان ملک، میراث‌دار شاعران بزرگ پیش از خود در به‌کارگیری تمثیل و ارسال المثل است. او به منظور توجیه کلام خود و استحکام بخشیدن به آن و زیبا نمودن سخن و مؤثر افتادن اشعار و هنر کلامی خود از تمثیل بهره‌جسته است. او ضمن استفاده از تمثیل قصد آن داشته تا بر تأثیر و نفوذ شعر خود بر مخاطب بیفزاید. چنانکه می‌دانیم عموم مردم و خوانندگان به بیان سخنان منطقی و استدلالی و مطالب حکیمانه از طریق ضرب المثل و تمثیل، اقبال و توجهی خاص نشان می‌دهند، خاصه آنکه اصلاً شعر بهترین وسیله برای بیان هنرمندانه از طریق استدلال تمثیلی است تا برهان و قیاس. بدین سان دو مقصود اساسی جهت استفاده از تمثیل و امثال از شعر به دست می‌آید: ابتدا آنکه بنیان سخنوری، آراسته به مثل و سخنان حکیمانه به شیوه تمثیلی می‌گردد و در ثانی با پروراندن معنی و مفهوم سخن تمثیلی، شنونده، مجذوب آن شده و آنچه مقصود نظر گوینده آن است، دقیقاً بر ذهن مخاطب مؤثر می‌افتد. آنچه جهان ملک به سان دیگر شاعران به دنبال آن بوده، برآورده شدن همین مقصود است.

بررسی نوع تمثیل در دیوان اشعار جهان ملک

در این پژوهش، کل دیوان جهان که قریب به ۱۶۰۰۰ بیت دارد، مطالعه و بررسی شده است و با توجه به بررسی آماری و بسامدی دیوان اشعار این نتیجه حاصل است که اغلب تمثیل‌های او از نوع ارسال المثل است و با توجه به تقسیم بندی سه‌گانه‌ای که پیش از این از تمثیل ارائه نمودیم مبنی بر تشبیه تمثیل، استعاره تمثیلیه، داستان تمثیلی. تمثیل‌های جهان ملک بیشتر مبتنی بر امثال و حکم است. بنابراین ارسال المثل‌های این بانوی اینجو از نوع استعاره تمثیلیه، یعنی نوع دوم است که به امثال و حکم نزدیکی بیشتری داشته و دارد. پیش از این گفتیم این نوع تمثیل، نوعی استعاره مرکب به شمار می‌آید «بدین معنی که جمله‌ای است که به علاقه

مشابهت در غیر معنای اصلی خود یا در غیر مآوضع له به کار رفته و وجه شبه آن صورتی است ذهنی که از امور متعدّد انتزاع شده است.» (دادبه، ۱۳۸۳: ۱۶۳) این نوع تمثیل در حقیقت در مفهوم مجازی‌اش همان ارسال المثل و مثل سایر است، زیرا مبتنی بر حکمت بر پایه گفتاری موجز و کوتاه و حکیمانه است. باید گفت نوع اول یعنی تشبیه تمثیل و نوع سوم یعنی داستان تمثیلی، در دیوان اشعار جهان ملک به چشم نمی‌خورد. در تمام دیوان جهان ملک مجموعاً ۶۱ مورد ارسال المثل تمثیلی مشهود و موجود است. این صنعت بدیعی ۱۴ درصد کل دیوان شاعر را دربر گرفته است.

در اینجا اختصار به مهم‌ترین و بهترین ارسال المثل‌های شاعر اشاره می‌شود.

سر گذشتم ز غمت دوش ندانی که چه بود آب چشم از سرم ای دوست گذشته است مرا

غزل ۱۲

تعبیر «آب چشم از سرم گذشته است» ضرب المثل آب از سرگذشتن را به خاطر می‌آورد. عاشق در غم فراق یار آنچنان اشک می‌ریزد که فراوانی آن تمام وجود او را غرقه می‌سازد. بدین طریق شاعر از اغراق نیز در بیان ضرب المثل خود بهره جسته است.

گر همه ملک جهانم می‌دهند یک سر موی تو نفروشیم ما

غزل ۳۷

گر چه برگشت چو بخت از من بیچاره هنوز نفروشم به همه ملک جهانم مویی

غزل ۱۴۱۰

تعبیر «یک سر موی تو نفروشیم» عامیانه و به معنی یک سر مویت را به دنیا نمی‌دهم. در حقیقت موی کسی را به ملک جهان نفروختن، تمثیلی کنایی است بدین معنی که ذره‌ای از وجود تو آنقدر برایم ارزشمند است که آن را با کل جهان معاوضه نمی‌کنم. تا جایی که حتی اگر بخت و اقبال نیز از من روی برتابد باز هم یک سر موی یار را به همه دنیا نخواهم داد.

گر به هجرانم گشود گر می‌نوازد هم به لطف هست مشهور این حکایت «گردان باگردن است»

غزل ۲۱۶

تعبیر تمثیلی «گرد ران با گردن است» اشاره به مثل معروف قدیمی است، که بد و خوب دولت و محنت، رنج و راحت، نوش و نیش و غم و شادی باهمند. در این باره در دیوان مسعود سعد این مثل چنین آمده است:

چون دولتی نبود مرا محنتی فزود بی‌گردن ای شگفت نبوده است گرد ران

در حدائق السحر رشید وطواط (ص ۵۶) به رودکی نسبت داده شده: «مقصود از آن مثل این است، که قصاب، گرد ران با گردن می‌فروشد و به فروش یکی بدون دیگری حاضر نیست.» (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۲: ۱۳۰) مقصود شاعر آن است کشتن او مرا با داغ و غم هجران و نواختن او به لطف مانند همراهی گردران با گردن است.

مثل زنند، که دل را به دل بود راهی میان ما نه چنان است دلبراً چون است

غزل ۲۲۴

تعبیر تمثیلی دل به دل راه دارد را به خاطر می‌آورد و به معنی دوستی و مهر خالصانه و بی شائبه از هر دو طرف است. شاعر در بی‌وفایی یار و گله از بی‌توجهی او با تعجب می‌پرسد که چرا بر ما چنین نرفته است و ما مشمول این مثل نیستیم و چگونه است که مهر و محبت دوطرفه میانمان برقرار نیست.

مرغ عشق تو به اشکم همه شب غوطه زند گر جهان آب بگیرد چه غمش مرغابی

غزل ۴۵۷

تعبیر تمثیلی دنیا را آب بگیرد، مرغابی را غمی نیست در مصراع دوم هویدا است. این مضمون را سعدی نیز در باب هفتم گلستان در مناظره‌اش با مدعی در بیان توانگری و درویشی آورده است.

گر از نیستی دیگری شد هلاک مرا هست بط را ز طوفان چه باک

جهان معتقد است که توانگر را غم درویش نیست و اگر طوفان او (توانگر) و جهانیان را در بر گیرد در این میان خود را مانند مرغابی ای می‌داند که غمی از طوفان ندارد.

نازنینا مگو به ترک وفا که پشیمانی ات ندارد سود

غزل ۶۵۸

تعبیر تمثیلی پشیمانی سودی ندارد، مثلی بس معروف است و محتاج به شرح و توصیف نیست.

رخ زیبای تو را دیدم چاردهم بی‌تکلف ز تحیر سرانگشت گزید

غزل ۷۳۲

سرانگشت گزیدن در مفهوم کنایی به شدت متعجب شدن و در حیرت افتادن است. شاعر معتقد است که حتی ماه تمام هم با آنهمه زیبایی از دیدن رخ زیبای یار، سرانگشت به دهان می‌گزد و دچار سرگشتگی و حیرت می‌شود.

دلا ز باغ جهان گلبن امید مبر که آب رفته درآید دگر به جوی امید

غزل ۷۲۴

تعبیر «آب رفته به جوی آمدن» تمثیلی زیبا به معنی برگشتن شوکت و اعتبار پس از زوال است. البته باید گفت که ضرب المثل «آب رفته به جوی نیاید» در گفتار مردم و اشعار شاعران متداول و معروف‌تر از شکل مثبت آن است.

در فراق من نکردم خواب خوش بی‌لبست هرگز نخوردم آب خوش

غزل ۸۳۰

تعبیر معروف «نخوردن آب خوش» ضرب المثل «آب خوش از گلوی کسی پایین نرفتن» را به ذهن متبادر می‌سازد که به معنی از آسایش و خوشبختی محروم بودن و همواره گرفتار رنج و بدبختی بودن است. و این رنجی است که عاشق همواره در فراق یار متحمل آن است.

به بستان با سهی سرو آب می‌گفت مبادا از سر ما سایه‌ات کم
غزل ۹۴۷

تعبیر «سایه‌ات از سر ما کم مباد» تمثیلی مشهور و کنایی به معنی حمایت و سرپرستی است و اینکه لطف از ما دریغ نشود و همواره به وجودت محتاج و نیازمندیم. این مثل در تداول عامه کاربرد بسیار دارد.

گفتم بُود آن روزی کو را بتوانم دید گفتا به رخ خورشید از دور توان دیدن
غزل ۱۱۴۲

مصرع دوم تمثیلی است به یک عقیده عامیانه و کهن که از دور به ماه و خورشید باید نگرستن و گر نه آسیبی متوجه آدمی خواهد شد؛ در حقیقت مفهوم کلی آن دوری و دوستی است. نظامی پیشتر این مضمون را در مناظره خسرو با فرهاد آنجا که فرهاد ندیدن دلبر را به صلاح و مصلحت خود توجیه می‌کند؛ اشاره به این باور عامیانه گذشتگان دارد که دیوانه چون به ماه درنگرد جنونش بیفزاید و ضرب المثل دوری و دوستی را به خاطر می‌آورد. در این بیت جهان، شاعر آرزو می‌کند که روزی بتواند محبوب خود را ببیند و سپس خود پاسخ می‌دهد به رخ یار باید از دور نگرست همانگونه که شایسته است به رخ خورشید از دور بنگریم.

بگفتا دوری از مه نیست در خور بگفت آشفته از مه دور بهتر

(نظامی)

دل‌آزاری خلق از این پس مجوی به دست آر اگر می‌توانی دلی

غزل ۱۳۳۹

تعبیر «دل به دست آوردن» تمثیلی معروف به مفهوم دلجویی کردن از کسی است و شخص را مورد لطف و محبت قرار دادن است. و مثل «تاتوانی دلی به دست آور» را به خاطر می‌آورد.

کردند جفا بسی نه بر حق الحق از شیشه همان برون تراود که در اوست

رباعیات ص ۵۲۳

ضرب المثل «از شیشه همان برون تراود که در اوست» در واقع همان ضرب المثل‌های «از کوزه همان برون تراود که در اوست» فارسی و «کل اناء یترشح بما فیه» عربی است که بابا افضل کاشانی در دیوان در بخش اول رباعیات خود آورده است.^۱ و اشاره دارد به آیه «قل کل یعمل علی شاکله...» (اسرا آیه ۸۴) هرکس بر اساس شاکله وجودی خود و روش و خلق و خوی خود عمل می‌کند. بانوی اینجوی از جور دشمن و فرقت دوست فریاد برمی‌آورد و هیچ کدام از آن‌ها را را پسندیده نمی‌داند و جفای هردوی دوست و دشمن را مقتضای ذات و سرشتشان می‌انگارد و ستم از جانب یار را بر حق نمی‌داند.

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد، پیداست نوع تمثیل‌های موجود در اشعار جهان ملک خاتون به‌تمامی از مقوله ارسال المثل و حکمت عامیانه با زبانی ایجاز‌گونه و مختصر گویانه‌ای است که البته حکمت و اندرزها و مفاهیم ادبی و زیبایی هنری را به بهترین وجه ممکن نمایانده است. ما پس از تعریف اقسام تمثیل مندرج در کتب بلاغی فارسی نشان دادیم، که سه نوع تمثیل به طور کلی وجود دارد که نوع تمثیل‌های به‌کار گرفته شده در اشعار این بانوی اینجوی فارس از مقوله دوم یعنی به استعاره تمثیلیه نزدیک است. سرانجام بدین نتیجه رسیدیم که در تمام دیوان شاعر ۶۱ مورد تمثیل وجود دارد که مجموعاً ۱۴ درصد دیوان او را تشکیل می‌دهد و بیش‌ترین علت وجودی این قبیل تمثیل‌ها را در تأثیرگذاری بیشتر بر ذهن و زبان مخاطب و خواننده دانستیم و این طرز در حقیقت ادامه همان سنت شعری پیش از عصر جهان ملک است. ضمن آنکه افزودیم اصولاً سبک شاعری او در حالتی خودآگاه نظیر غزلسرای سعیدی است. با این تفاوت که از منظر سبک شناسی فردی در غزلسرای سعیدی این طرز، روانی و سهولت و شیرینی حالت ناخودآگاهانه داشته و در جهان ملک تا اندازه‌ای خودآگاه و آگاهانه است.

^۱ برای اطلاعات بیشتر ن. ک به: امثال و حکم دهخدا، ج ۱، صص ۱۲۶ تا ۱۲۷ و ص ۱۴۲.

منابع و مأخذ

۱. جرجانی، عبدالقاهر، (۱۳۷۴). اسرارالبلاغه، ترجمه و تصحیح جلیل تجلیل، دانشگاه تهران: تهران، چ چهارم.
۲. جهان ملک، (۱۳۷۴). دیوان جهان ملک خاتون، به کوشش پوراندخت کاشانی راد و کامل احمد نژاد، تهران: زوار.
۳. داد به، علی اصغر. (۱۳۸۳). دانشنامه جهان اسلام، ج ۸، بنیاد دایرة المعارف اسلامی: تهران.
۴. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۱). شعر بی دروغ شعر بی نقاب، تهران: علمی.
۵. صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳ بخش دوم، تهران: فردوس، چ دوم.
۶. وطواط (عمری کاتب)، رشیدالدین محمد، (۱۳۶۲). حدائق السحر فی دقائق الشعر، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، طهوری و تهران: سنایی.
۷. فتوحی، محمود. (۱۳۶۸). بلاغت تصویر، تهران: سخن، چ دوم.
۸. قزوینی، محمد و غنی، قاسم. (۱۳۸۵). دیوان حافظ، تهران: زوار، چ سوم.
۹. قیس الرازی، شمس الدین محمد. (۱۳۸۸). المعجم فی معاییر اشعارالعجم، تهران: علم.
۱۰. معین، محمد و شهیدی، سید جعفر. (۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، ج ۲ و ۵، دانشگاه تهران: تهران.
۱۱. واعظ کاشفی سبزواری، میرزا حسین. (۱۳۶۹). بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، ویراسته میرجلال الدین کزازی، مرکز: تهران.
۱۲. همایی، جلال الدین. (۱۳۷۱). فنون بلاغت و صناعات ادبی، هما: تهران، چ هشتم
۱۳. یاسمی، رشید. (۱۳۱۸). دیوان مسعود سعد سلمان، تهران: بی نا



Allegory and Cnomic verse in Jahan Malek Khatoon's Divan

Raviye Kord Afshari², Ahmad Khatami¹

1. PhD Student of the Faculty of Humanities and Literature, Islamic Azad University, South Tehran Branch
 2. Full Professor of Shahid Beheshti University
-

Abstract:

Allegory entails comparing one object with another one. In allegory, the poets increase their clarity through providing more extensive examples; contrarily, in Cnomic verse, the speaker merely presents a famous quote. Proverbs are the major spice of the Cnomic verse. However, in allegory, it is not the case. With regard to three types of allegory including simile, allegory, and allegorical metaphor and allegorical story, Jahan Malek Khatoon's (8th century) allegories were Cnomic verse and close to the allegorical metaphors. Indeed, her Cnomic verse have continued the traditional Cnomic verse in the classic school of Persian literature.

Keyword: Persian poem, Jahan Malek Khatoon, Allegory, Cnomic verse.